

الگوی رفتاری محمدرضا پهلوی با نخبگان سیاسی

۱۲ خرداد ۱۳۹۷ ساعت ۸:۵۴

ساختار قدرت سیاسی در عصر پهلوی دوم (از فردای کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲) به طور کلی حکایت از ساخت آمرانه ای می کرد که شخص محمدرضاشاه تمامی قدرت را به تنهایی در رأس هرم در اختیار خود داشت و به بازیگر اصلی عرصه سیاست و اجتماع در کشور تبدیل شده بود.

کافه تاریخ- کشکول

ساختار قدرت سیاسی در عصر پهلوی دوم (از فردای کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲) به طور کلی حکایت از ساخت آمرانه ای می کرد که شخص محمدرضاشاه تمامی قدرت را به تنهایی در رأس هرم در اختیار خود داشت و به بازیگر اصلی عرصه سیاست و اجتماع در کشور تبدیل شده بود. به گفته احسان نراقی «بعد از جریانات سال ۱۳۴۲ و موضوع ۱۵ خرداد، شاه به گفته‌ای اطرافیان خود ترتیب اثر نمی داد. در جلسه‌ای با حضور علی اصغر حکمت، انتظام، وارسته، محمود مهران و عده‌ای دیگر که در منزل حسین علاء تشکیل شده بود قرار بود اعضای جلسه در ملاقات با شاه مطالب مهمی را بیان کنند اما شاه توجهی نمی کند تا اینکه حسین علاء به او در فرودگاه هنگام عزیمت برای افتتاح سد گلپایگان می گوید: قربان وقتم لاقات چه شد؟ شاه گفته بود: به این نتیجه رسیده‌ام که رجال سیاسی قدیمی را باید به توالی ریخت و سیفون را کشید. انتظام که از موضوع سیفون اطلاع پیدا کرد خیلی ناراحت بود و در آخرین روزهای مسئولیتش در شرکت نفت سعی داشت شاه را متوجه اشتباهاتش بکند. در ملاقات با شاه وقتی صحبت از برکناری رجال قدیمی به میان آمد شاه به او گفته بود: وطن پرستی من ایجاب می کند این کار را بکنم. انتظام هم در یک واکنش غیر منتظره با دست روی میزند و با صدای بلند می گوید: فقط اعلی حضرت وطن پرست نیستید، ما هم وطن پرستیمبه حدی که شاه به او گفته بود: چقدر بلند حرف می زنید، حتی علم در بیرون اتاق صدای شاه را شنیده بود.»

منبع: «گفتگو و خاطرات: ساختار ارتش و ساواک و ناکار آمدی رژیم پهلوی از زبان دکتر احسان نراقی»، مجله تاریخ معاصر ایران،

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۶۹۶۵/الگو۱-رفتاری-محمدرضا-پهلوی-نخبگان-سیاسی>